

بسم الله الرحمن الرحیم

الحمد لله رب العالمین والصلوة على رسوله محمد وآله وصحبه اجمعین

اما بعد میگوید بندهٔ ضعیف مفتقر الی رحمة الله الباری زین الدین احمد بن شاه عبد الحسین
شیخ پوری البهاری که پیش ازین بزرگی سند را وقتی اینجا برده اند و آن را طبع کنانیده اند
و آنرا دیده ام از آن سند در آن تغیر افتاده است از آنکه این اوراق را بسند و دستخط پیر و مرشد خود
طبع کنانیدن مناسب دانستم سند بزرگی عزیزی حیر یافته است که سلسله اسناد قرآن مصحف
آنان تا جامع این اوراق میرسد [illegible] مستفاد بنده سند و اجازت یافت از پیر و مرشد خود
حضرت سید شاه ولایت علی قادری ابو العلائی اسلامپوری که از اولاد امجاد حضرت
میر سید علی همدانی علیه الرحمة اند متعنا الله تعالی ببرکاته [illegible] و حضرت
ایشان سند و اجازت یافته از پدر بزرگوار خود سید کریم بخش و ایشان از پدر خود
سید میر علی و ایشان از پدر خود سید حسن علی و ایشان از پدر خود سید حجت الله افضل
و ایشان از پدر خود سید رفیع الدین و ایشان از پدر خود سید ولی و ایشان از پدر خود
سید اعظم و ایشان از پدر خود سید نصیر الدین و ایشان از پدر خود سید راجی محمد
و ایشان از پدر خود سید حمید الله و ایشان از پدر خود سید اشرف و ایشان از
پدر خود سید [illegible] و ایشان از پدر خود سید صدر الدین و ایشان از پدر خود

سید بدرالدین و ایشان از پدر خود سید شمس الدین سیه‌پوش همدانی و ایشان از پدر خود
سید علاءالدین همدانی و ایشان از پدر خود سید محمد همدانی و ایشان از پدر خود میر سید علی
همدانی رحمة الله علیهم اجمعین چون خواهد که اوراد فتحیه آغاز کند اول فاتحه حضرت شاه
جنید و میر سید علی همدانی و اصحاب استاد و یکهزار و چهارصد اولیا که میر سید علی
همدانی اوراد فتحیه از ایشان یافته است بخواند و بحضرت حق تعالی بوساطت ایشان
(نعمت) دعا [illegible] و جمیع مطالب فتح و فتوح کند بعده هفت بار استغفار و هفت بار درود خواند و بلا
اوراد فتحیه تا بعد [illegible] صحیح و مقابله کرده و بدل با آواز بلند بخواند [illegible]
و دنیوی و شفا [illegible] مرض [illegible] اول و آخر [illegible]
بالطهارت [illegible] بدل بخواند اگر از یک کس شده نتواند [illegible]
میر سید علی همدانی علیه الرحمة [illegible]
کامل را دریافتم و از هر یک نصیبه گرفتم و از آنجمله چهارصد اولیا را [illegible] یافتم
و هر یک [illegible] و هر یک اسمی را از اسماء الله [illegible] فتح [illegible] ایشان
از آن [illegible] فتح
تا چون از آن فتح الباب [illegible] مجموع آنرا اوراد فتحیه نام نهادم [illegible]
که [illegible] ایشان [illegible] نوشته‌اند که چون [illegible]
کردم [illegible] سلام [illegible] یافتم [illegible] صلی الله علیه و آله و سلم [illegible]
نشسته و جمیع کثیر از صحابه رضی الله عنهم [illegible] سلام کردم جواب باز داد [illegible]

الی نهایة فرموده بود ما را که تا غرض به دست شما ادا کرده‌ام همان کلمات بود که در سیاحت از یکهزار و چهار
صد ولی [illegible] و بود و ترتیب [illegible] التماس کردم چون ترتیب قرأت آن را معاودهم کرده‌ام بجای [illegible]
که آن اوراد را چه باید خواند یا [illegible] دیده شد که [illegible] [illegible] نزد همه [illegible]
همان اوراد را میخوانند حضرت رسالت صلی الله علیه و آله و سلم [illegible] این [illegible] کرد
فرمودند که بدین ترتیب باید خواند از آن روز باز اوراد را بر جماعه خواندن آغاز کردم شمه
احوال امیر کبیر سید علی همدانی از جامع السلاسل وقتی سر جملهٔ مشایخ همدانیه هست سره و
اصحاب حضرت شیخ محمود مزدقانی علیه الرحمة و از سی و سه مشایخ کامل ارشاد و اجازت
داشت از آنجمله یکی سعید حبشی بود رضی الله عنه که از اصحاب رسول صلی الله علیه و آله و سلم
بود و اسحق و علی همدانی از صحبت او بشرف تابعین مشرف شد و فروغ دل یافت
و خرقه خلافت گرفت و در علم از فحول علما بود و طی الارض داشت چنانچه سه مرتبه
ربع مسکون را طی کرد نقل است که علمای انصاری را در ولایت روم با علمای
اهل اسلام درین حدیث مذاکره افتاد که علماء امتی کانبیاء بنی اسرائیل
یعنی پیغامبر ما گفته است که علمای امت من مثل انبیای بنی اسرائیل اند و عیسی
علیه السلام احیای اموات میکرد اگر درین قول پیغامبر شما اصح است مرده را
زنده کنند علمای اسلام عاجز گشتند [illegible] چهار روزه خواستند چون مدت [illegible]
بوجه [illegible] باقی علی همدانی بطی الارض در آن مجمع حاضر شد و گفت پیغامبر ما راست
[illegible]

که پیغمبر شما که احیاء اموات میکرد و چه میگفتند جواب گفتند پیغمبر ما قُم باذن الله
گفته زنده میکرد اگر من از فرمان الله تعالی قُم باذنی بگویم و این مرده زنده شود شما بپیغمبر ما
ایمان آرید گفتند آری پس آن پیر فرمود من یکی از فروترین امت وی ام چون من هزاران
درین زمان یافته میشوند پس گفت قُم باذنی و دست آن مرده بگرفت و بر داشته
پس جمله ایمان آوردند نقل ست که لقمهٔ حرام یا شبهه اتفاق مبارک وی فرو نشده
صاحب قران امیر تیمور بادشاه این حال چون شنید برای امتحان دعوت وی کرد
ابیات گفت بخادم که دو چیز حرام و حلال بساز و بیار از طعام ها خادم مطبخ هر دو دیگ
بره ... کشته ... جدا جدا ساخته ... از مطبخ بیار استند ... تناول
طعام امیر تیمور سوال از حلت و حرمت آن طعام کرد ابیات گفت که شما بنام این طعام
رزق حلال ست یا حرام گفت ازین نکته کردی سوال هر تو حرام آمد و بر من حلال شد
بعد وفات ... سید که پیره ... امیر کبیر علی همدانی داشته بود ... اول ...
ابیات گفت مرا از ... مرده بود ... از ... میر ... اول
کشمیر ... کرده ... اول ... پنج سال در سیاحت بود و ... سال ...
و اسرار ... نوشته است که اکثر مردم کشمیر کافر بودند و اسلام را چندان رواج نبود چون
کافران را باسلام خواندم گفتند که ما را شیخی ست عالم و فاضل و صاحب کرامات اگر ...
و مناظره فائق آئی اسلام آریم ...
... [illegible]

که بطریق استدراج کرامات نماید گاوی ایستاده بود گفت اگر توانی بگوی که در رحم این گاو
گوساله بچه رنگ ست و ماده است یا نر گفتم تو بگوی گفت نر ست چون تامل کردم نر بود گفت
سیاه فام ست و قدرے پیشانی او سپید ست گفتم پیشانی او سپید نیست بلکه سر دم
وے سپید ست و دم را حلقه کرده بر پیشانی آورده فرمود تا شکم گاو را بشگافتند همان
سر دم بود که بر پیشانی حلقه کرده بود خواست که حیله دیگر انگیزد آن حالت و استدراج
از وی برگرفتیم از ان خود دستار فرو نشست منفعل از جای خود برخاست
سر بپای من انداخت و اسلام آورد و یکے از واصلان شد چون کافران
چنین دیدند اکثر مسلمان شدند از ان روز اسلام در ان ولایت در
تزاید شد و در اینچنین خوارق و کرامات بسیار ست و او را تصانیف است
مثل شرح فصوص الحکم و ذخیرة الملوک و رساله الشفاء الماء فی الصدور
و دیگر کتب تصوف و غزلیات و غیره و علی و علائی تخلص اوست این شعر
از وست سے عشق جانان آتش و جان علائی خس بود خس چو در آتش
بسوزد دیگر او را خس مخوان ... وفاتش ششم ذی الحجه و بست هشتاد و
هشت هجری ... الغ ... و جمال ست تاریخ وفاتش ... ذیل آورده ا
... همدانی ست سید همدان ... اسم سامی او علی ... فاتحه ...
... کشمیر فیض بخش ... و کبیر ... والا ... ان ...
... جوان ... سال ... و الا ... سال ... علی ...

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ

بنام خداے بخشاینده مهربان

أَسْتَغْفِرُ اللّٰهَ الْعَظِيمَ الَّذِي لَا إِلٰهَ إِلَّا هُوَ

آمرزش میخواهم از خداے بزرگ خداوندی که نیست معبودی بر حق جز وے

الْحَيُّ الْقَيُّومُ وَأَتُوبُ إِلَيْهِ وَأَسْأَلُهُ التَّوْبَةَ

که زنده و استاده قائم دارنده همه چیز را و باز میگردم بجانب او و سوال میکنم از وے قبول توبه

اللّٰهُمَّ أَنْتَ السَّلَامُ وَمِنْكَ السَّلَامُ وَإِلَيْكَ

الهی توئی سالم دارنده و از تست سلامتی مخلوقات و بتو

يَرْجِعُ السَّلَامُ حَيِّنَا رَبَّنَا بِالسَّلَامِ وَأَدْخِلْنَا

خواهد گردید سلامتی زنده دار ما را اے پروردگار ما بسلامتی و در آر ما را

صله الحی القیوم بهر دو منصوب اند بر اینکه صفت الله اند و الله منصوب باشد در رفع این سم فاعل است که ترتیب نیز داکیست بتقدیر مبتدا باشد والقیوم ای هو الحی القیوم هو در بیان جلامعنی شده است ۱۲

دار السلام تباركت ربنا وتعاليت يا

در بهشت بسیار بابرکت هستید تو ای پروردگار ما و برتر هستی ای

ذا الجلال والإكرام + اللهم لك الحمد

صاحب بزرگی و فضل الهی ترا است ستایش

حمداً يوافي نعمك ويكافي مزيد كرمك

ستایشی که وفا کند به همه نعمتهای تو و برابری کند با زیادتی کرمهای تو

أحمدك بجميع محامدك ما علمت منها وما

حمد میکنم ترا بجمیع محامد تو آنچه دانسته‌ام از آنها و آنچه

لم أعلم وعلى جميع نعمك ما علمت منها وما

ندانسته‌ام و بر تمامی نعمتهای تو آنچه دانسته‌ام ترا از آنها و آنچه

لم أعلم وعلى كل حال + أعوذ بالله

ندانسته‌ام و بر همه حال پناه میگیرم بخدا

من الشيطان الرجيم + الله لا إله إلا هو

از شیطان رانده شده الله هیچ معبودی نیست بجز او

الْحَيُّ الْقَيُّومُ لَا تَأْخُذُهُ سِنَةٌ وَلَا نَوْمٌ لَهُ

زنده است قائم دارنده همه چیز را نمیگیرد او را پینکی و نه خواب او راست

مَا فِي السَّمٰوٰتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ مَنْ ذَا الَّذِي

آنچه در آسمانهاست و آنچه در زمین هست کیست آنکه

يَشْفَعُ عِنْدَهُ إِلَّا بِإِذْنِهِ يَعْلَمُ مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ

شفاعت کند نزد او مگر بحکم او میداند آنچه پیش ایشانست

وَمَا خَلْفَهُمْ وَلَا يُحِيطُونَ بِشَيْءٍ مِنْ عِلْمِهِ

و آنچه پس پشت ایشانست و در نمیگیرند چیزی را از علم او

إِلَّا بِمَا شَاءَ وَسِعَ كُرْسِيُّهُ السَّمٰوٰتِ

مگر بآنچه خواسته است فرا گرفته است کرسی او آسمانها

وَالْأَرْضَ وَلَا يَؤُدُهُ حِفْظُهُمَا وَهُوَ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ

و زمین را و گران نمیسازد او را نگاهداشتن آن هر دو و او است برتر بزرگ

سُبْحَانَ اللّٰهِ سی و سه بار اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ سی و سه بار اَللّٰهُ اَكْبَرُ

منزه و پاکست خدا جمیع ستایش مر خدا راست خدا بسیار بزرگ

سی بار لا اله الا الله وحده لا شریک له

نیست معبودی سزاوار برحق بجز خدا که تنها است نیست شریک مر او را

له الملک وله الحمد وهو علی کل شیء قدیر

مر او راست بادشاهی و او راست ستایش و او بر همه چیز قادر

ده بار لا اله الا الله الملک الجبار لا اله الا الله

نیست معبودی بجز خدا پادشاه [illegible] نیست معبودی برحق بجز خدا [illegible]

الواحد القهار لا اله الا الله العزیز الغفار

که یگانه است غالب بر همه چیز نیست معبودی [illegible]

لا اله الا الله الکریم الستار لا اله الا الله الکبیر

نیست معبودی برحق بجز خدای کریم [illegible] نیست معبودی بجز خدای [illegible]

المتعال لا اله الا الله خالق اللیل والنهار

رفیع بر همه چیز نیست معبودی برحق بجز ان خدای که [illegible]

لا اله الا الله المعبود بکل مکان

نیست معبودی برحق بجز [illegible]

لا اله الا الله المذکور بکل لسان لا اله

نیست معبودی برحق جز خداے تعالی که یاد کرده شده است بهر زبان نیست معبودی

الا الله المعروف بکل احسان لا اله الا

جز خداے تعالی که شناخته شده است به نیکیها نیست معبودی برحق جز

الله کل یوم هو فی شان + لا اله الا الله ایمانا

خدای تعالی که هر روز او در یک کار است نیست معبودی برحق جز خدای تعالی در حالیکه ایمان

بالله + لا اله الا الله امانا من الله + لا اله الا

بخدا نیست معبودی برحق جز خدای تعالی در امان هستند از عذاب نیست معبودی

الله امانة من عند الله + لا اله الا الله ولا

خدای تعالی در حالیکه امانت است از نزد خدای تعالی نیست معبودی برحق جز خدای تعالی

حول ولا قوة الا بالله + لا اله الا الله ولا نعبد

بازماندن از گناه و در قدرت نیکی کردن به توفیق خدای تعالی نیست معبودی برحق جز خدای تعالی و ما نمی پرستیم

الا ایاه + لا اله الا الله حقا حقا + لا اله الا الله

مگر او را نیست معبودی برحق جز خدای تعالی که ثابت و محقق است نیست معبودی برحق جز

إيمانًا وّصدقًا + لا إله إلا الله تعبّدًا وّرِ

از روی ایمان و تصدیق   نیست معبود برحق جز خدای تعالی   از روی عبادت

قًّا + لا إله إلا الله تلطّفًا وّرفقًا + لا إلٰه

بندگی   نیست معبودی برحق جز خدای تعالی از جهت مهربانی و از روی ... نیست معبودی

إلا الله قبل كلّ شيءٍ + لا إلٰه إلا الله بعد

جز خدای تعالی که پیش از همه چیز هست   نیست معبود برحق جز خدای تعالی که پس

كلّ شيءٍ + لا إله إلا الله يبقى ربّنا ويفنى

همه چیز خواهد ماند   نیست معبود برحق جز خدای تعالی باقی خواهد ماند پروردگار ما و نیست شود

ويموت كلّ شيءٍ + لا إله إلا الله الملك

و فنا شود هر چیز   هلاک شود   نیست معبود برحق جز خدای تعالی که پادشاه است

الحقّ المبين + لا إله إلا الله الملك الحقّ

متحقق الوجود و ظاهر الوجود   نیست معبودی برحق جز خدای تعالی که پادشاه است سزاوار پادشاهی

اليقين + لا إله إلا الله العليّ العظيم + لا إله

آشکارا یقین است مرا   نیست معبودی برحق جز خدای تعالی که برتر   بزرگ است   نیست معبود

الا الله الحليم الكريم + لا اله الا الله

جز خدای تعالی که بردبار و کریم است نیست معبودی بر حق جز خدای تعالی

رب السموات السبع ورب العرش

که پروردگار هفت آسمان است و پروردگار عرش

العظيم + لا اله الا الله اكرم الاكرمين + لا اله الا الله

بزرگ است نیست معبودی بر حق جز خدای تعالی که کریم ترین کریمان است نیست معبودی بر حق

الا الله ارحم الراحمين + لا اله الا الله حبيب

جز خدای تعالی که مهربان ترین مهربانان است نیست معبودی بر حق جز خدای تعالی که دوست دارنده

التوابين + لا اله الا الله راحم المساكين + لا اله

توبه کنندگان است نیست معبودی بر حق جز خدای تعالی رحمت کننده بیچارگان است نیست معبودی بر حق

الا الله هادي المضلين + لا اله الا الله دليل

جز خدای تعالی که راه نمای گمراهان است نیست معبودی بر حق جز خدای تعالی که راه نماینده

المتحيرين + لا اله الا الله امان الخائفين +

حیرت زدگان است نیست معبودی بر حق جز خدای تعالی که ایمن کننده ترسندگان است

لَا إِلٰهَ إِلَّا اللّٰهُ غِيَاثُ الْمُسْتَغِيْثِيْنَ + لَا إِلٰهَ

نیست معبودی برحق جز خدای تعالی که فریادرس فریادخواهان است نیست معبودی برحق

إِلَّا اللّٰهُ خَيْرُ النَّاصِرِيْنَ + لَا إِلٰهَ إِلَّا اللّٰهُ خَيْرُ

جز خدای تعالی که بهترین یاری کنندگان است نیست معبودی برحق جز خدای تعالی که بهترین

الْحَافِظِيْنَ + لَا إِلٰهَ إِلَّا اللّٰهُ خَيْرُ الْوَارِثِيْنَ

نگهبانان است نیست معبودی برحق جز خدای تعالی که بهترین میراث گیرندگان است

لَا إِلٰهَ إِلَّا اللّٰهُ خَيْرُ الْحَاكِمِيْنَ + لَا إِلٰهَ إِلَّا اللّٰهُ

نیست معبودی برحق جز خدای تعالی که بهترین حاکمان است نیست معبودی برحق جز خدای تعالی

خَيْرُ الرَّازِقِيْنَ + لَا إِلٰهَ إِلَّا اللّٰهُ خَيْرُ الْفَاتِحِيْنَ

که بهترین روزی دهندگان است نیست معبودی برحق مگر خدای تعالی که بهترین گشایندگان کار است

لَا إِلٰهَ إِلَّا اللّٰهُ خَيْرُ الْغَافِرِيْنَ + لَا إِلٰهَ إِلَّا اللّٰهُ

نیست معبودی برحق مگر خدای تعالی که بهترین آمرزگاران است نیست معبودی برحق مگر خدای تعالی

خَيْرُ الرَّاحِمِيْنَ + لَا إِلٰهَ إِلَّا اللّٰهُ وَحْدَهُ لَا

که بهترین مهربانان است نیست معبودی برحق مگر خدای تعالی که یگانه است و

صَدَقَ وَعْدَهٗ وَنَصَرَ عَبْدَهٗ وَاَعَزَّ جُنْدَهٗ

و راست ساخت وعدهٔ خود را و یاری کرد بندهٔ خود را و غلبه داد لشکر خود را

وَهَزَمَ الْاَحْزَابَ وَحْدَهٗ وَلَا شَيْءَ بَعْدَهٗ

و شکست داد جماعت کافران را تنها و هیچ چیز نماند پس از او

لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ اَهْلُ النِّعْمَةِ وَلَهُ الْفَضْلُ

نیست معبودی بجز الله که اهل نعمتها است و مر او راست فضل و عطا

وَلَهُ الثَّنَاءُ الْحَسَنُ لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ عَدَدَ خَلْقِهٖ

و مر او راست ستایش نیک نیست معبود بجز الله بشمار مخلوقات

وَزِنَةَ عَرْشِهٖ وَرِضَا نَفْسِهٖ وَمِدَادَ كَلِمَاتِهٖ

و بوزن عرش وی و بمقدار خوشنودی ذات وی و بمقدار سیاهی کلمات وی

لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ صَاحِبُ الْوَحْدَانِيَّةِ الْفَرْدَانِيَّةِ

نیست معبودی برحق مگر خدای تعالی که صاحب یگانگی است در ذات و در صفات الوهیت

الْقَدِيمِيَّةِ الْاَزَلِيَّةِ الْاَبَدِيَّةِ لَيْسَ لَهٗ

و صاحب قدیمیت و ازلیت و ابدیت نیست او را

صمد و لا ند و لا شبه و لا شريك

مخالف و نہ ہمسر و نہ مانند و نہ انباز

لا اله الا الله وحده لا شريك له له الملك

[illegible]

وله الحمد يحيي ويميت وهو حي لا يموت

[illegible]

بيده الخير وهو على كل شيء قدير

[illegible]

واليه المصير هو الاول والآخر والظاهر

[illegible]

والباطن وهو بكل شيء عليم ليس كمثله

[illegible]

شيء وهو السميع البصير حسبنا الله ونعم

[illegible]

الوكيل + نعم المولى ونعم النصير

کارگزارنده و خوش خداوندی ست و نیک یاری دهنده

سه بار غفرانك ربنا واليك المصير

می طلبم آمرزش ترا ای پروردگار ما و بسوی تست بازگشت

اللهم لا مانع لما اعطيت ولا معطي

الهی نیست باز دارنده آن چیز را که تو بخشیدی و نیست دهنده

لما منعت ولا راد لما قضيت ولا ينفع

آن چیز را که منع کردی و نیست باز گرداننده مر چیزی را که تو حکم کردی و سود نکند

ذا الجد منك الجد + سبحان ربي العلي

صاحب بخت را از تو بخت او پاک است پروردگار من که بلند است

الاعلى الوهاب + دو بار سبحان ربي العلي

و برتر و بخشنده پاک است پروردگار من که بلند است

الاعلى الكريم الوهاب + يا وهاب

و برتر و صاحب کرم و بخشنده ای بسیار بخشنده

سُبْحَانَكَ مَا عَبَدْنَاكَ حَقَّ عِبَادَتِكَ

پاکست معنی نپرستیدیم ترا حق پرستیدن تو

سُبْحَانَكَ مَا عَرَفْنَاكَ حَقَّ مَعْرِفَتِكَ سُبْحَانَكَ

پاکستی تو نشناختیم ترا حق شناختن تو پاکستی تو

مَا ذَكَرْنَاكَ حَقَّ ذِكْرِكَ سُبْحَانَكَ

نیاد کردیم ترا حق یاد کردن تو پاکستی تو

وَمَا شَكَرْنَاكَ حَقَّ شُكْرِكَ + سُبْحَانَ اللّٰهِ

نشکر کردیم ترا حق شکر تو پاکست خدای

الْأَبَدِيِّ الْأَبَدِ + سُبْحَانَ اللّٰهِ الْوَاحِدِ

که باد دوانی ست جاودان پاکست خدای یگانه که یکتا است

الْأَحَدِ + سُبْحَانَ اللّٰهِ الْفَرْدِ الصَّمَدِ

در صفات یکتاست در ذات پاکست خدای که یکتاست بی همتا بی نیاز

سُبْحَانَ اللّٰهِ رَافِعِ السَّمٰوٰتِ بِغَيْرِ عَمَدٍ +

پاکست خدای که برداشته است آسمانها را بی ستون

سُبْحَانَ اللهِ الَّذِي لَمْ يَتَّخِذْ صَاحِبَةً وَّلَا

پاک است خدای که نگرفت زن و نه

وَلَدًا + سُبْحَانَ اللهِ الَّذِي لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ

فرزند را پاک است خدای که نزاید کسی را و نه زائیده شده

وَلَمْ يَكُنْ لَّهُ كُفُوًا أَحَدٌ + سُبْحَانَ الْمَلِكِ

از کسی و نبوده است او را همتا هیچ کس پاک است پادشاهی که

الْقُدُّوسِ + سُبْحَانَ ذِي الْمُلْكِ وَالْمَلَكُوتِ

از همه عیب پاک است صاحب عالم ظاهر و عالم باطن را

سُبْحَانَ ذِي الْعِزَّةِ وَالْعَظَمَةِ وَالْقُدْرَةِ

پاک است صاحب عزت و بزرگی و قدرت تمام

وَالْهَيْبَةِ وَالْجَلَالِ وَالْجَمَالِ وَالْكَمَالِ

و ترس و بزرگی و خوبی و سبک کمالی

وَالْبَقَاءِ وَالثَّنَاءِ وَالضِّيَاءِ وَالْآلَاءِ وَالنَّعْمَاءِ

و پایندگی و ستایش و نور و نعمتهای باطن و نعمتهای ظاهر

وَالْكِبْرِيَاءِ وَالْجَبَرُوتِ + سُبْحَانَ

وبزرگی ذات وبزرگی صفات پاک است

الْمَلِكِ الْحَيِّ الَّذِي لَا يَنَامُ وَلَا يَمُوتُ

پادشاهی که زنده است خواب نمیکند و نمی میرد

سُبُّوحٌ قُدُّوسٌ رَبُّنَا وَرَبُّ الْمَلَائِكَةِ

پاک ست از هر نقصان و درست از هر عیب پروردگار ما و پروردگار فرشتگان

وَالرُّوحِ + سُبْحَانَ اللهِ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ وَلَا إِلٰهَ

و روح ست پاک ست خدا اسے تعالے و همه ستایش مر خدای تعالی راست و نیست هیچ معبود

إِلَّا اللهُ وَاللهُ أَكْبَرُ وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ

بحق جز خدا اسے تعالے و خدا اسے تعالے بزرگتر است و نیست باز ماندن از گناه و نه قوت

إِلَّا بِاللهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ + اَللّٰهُمَّ أَنْتَ

بر طاعت مگر بتوفیق خدا بزرگ الهی تو ای

الْمَلِكُ الْحَقُّ الَّذِي لَا إِلٰهَ إِلَّا أَنْتَ

پادشاهی سزاوار بخشنده است که نیست معبود و سزاوار بحق جز تو

یا اللہ	یا رحمٰن	یا رحیم
اے خدا	ای بسیار بخشندہ	ای نہایت مہربان
یا ملک	یا قدوس	یا سلام
ای پادشاہ ظاہر و باطن	ای پاک منزہ از عیوب و نقائص	اے سلامت از عیب
یا مومن	یا مہیمن	یا عزیز
ای امان دہندہ	ای نگاہبان	ای غالب و بے ہمتا
یا جبار	یا متکبر	یا خالق
ای جبر و قہر کنندہ خلق بر جمیع خواہ	ای صاحب کبریا	ای ہست کنندہ کہ چیزہا
یا باری	یا مصور	یا غفار
ای آفرینندہ خلق بی نمونہ	ای صورت نگار خلق	ای نہایت آمرزندہ
یا قہار	یا وہاب	یا رزاق
ای غالب بر ہر چیز	ای بسیار بخشندہ بے عوض	ای روزی دہندہ
یا فتاح	یا علیم	یا قابض
ای کشایندہ دلہا و مشکل	ای دانا بہمہ چیز	اے تنگ کنندہ روزی بحکمت

یا باسط	یا خافض	یا رافع
ای گشاینده روزی	ای پست کننده متکبران	ای بلند گرداننده مؤمنان
یا معز	یا مذل	یا سمیع
ای عزت دهنده	ای خوار کننده	ای شنوای [illegible]
یا بصیر	یا حکم	یا عدل
ای بینای بینایان	ای حکم کننده	ای دادگر
یا لطیف	یا خبیر	یا حلیم
ای باریک‌بین مهربان	ای باخبر از همه چیز	ای بردبار
یا عظیم	یا غفور	یا شکور
ای بزرگوار سلطانی	ای [illegible] آمرزنده	ای قبول کننده [illegible] شاکران و [illegible]
یا حفیظ	یا کبیر	یا علی
ای برتر از همه	ای فائق بر همه چیز	ای نگاهدارنده
یا مقیت	یا حسیب	یا جلیل
ای توانا در روزی رسانیدن	ای کفایت کننده و حساب کننده فائق در همه چیز	ای بزرگوار به خلق و بی نیاز

یا کریم	یا رقیب	یا مجیب
ای بزرگوار و صاحب کرم	ای نگاهبان که بر همه احوال نگهبانست	ای اجابت کننده دعا
یا واسع	یا حکیم	یا ودود
ای فراخ عطا	ای درست کار	ای دوست دارنده
یا مجید	یا باعث	یا شهید
ای صاحب بزرگی و شرف	ای زنده کننده مردگان و برانگیزنده	ای حاضر و گواه
یا حق	یا وکیل	یا قوی
ای متحقق الوجود سزاوار خدائی	ای آنکه کار خود با او باید سپرد	ای نیرومند
یا متین	یا ولی	یا حمید
ای استوار کار	ای یاری دهنده دوستان	ای ستوده
یا محصی	یا مبدئ	یا معید
ای ضبط کننده همه چیز	ای پیدا کننده چیزها از عدم	ای باز گرداننده
یا محیی	یا ممیت	یا حی
ای زنده کننده	ای میراننده	ای زنده

یا قیوم	یا واجد	یا ماجد
ای قیام نماینده و تدبیر کننده خلق	ای توانگر که محتاج نگردد	ای بزرگوار مطلق
یا واحد	یا احد	یا صمد
ای یگانه در صفات	ای یکتا در ذات	ای بی نیاز و پاک
یا قادر	یا مقتدر	یا مقدم
ای توانای مطلق	ای توانایی که عجز با او راه نیست	ای پیش کننده هر کرا خواهد
یا مؤخر	یا اول	یا آخر
ای پس کننده هر کرا خواهد بمقتضای حکمت	ای پیش از همه در ذات و وجود	ای باقی مانده بعد فنای خلق
یا ظاهر	یا باطن	یا والی
ای آشکار	ای پنهان	ای کارکن با تدبیر و قدرت
یا متعالی	یا بر	یا تواب
ای فایق و برتر از صفات خلق	ای بسیار نیکوکار	ای قبول کننده توبه
یا منعم	یا منتقم	یا عفو
ای نعمت دهنده	ای مکافات کننده	ای تجاوز کننده از گناه گنهگار

یا رؤف	یا مالک الملک	یا ذا الجلال والاکرام
ای بسیار رحمت کننده	ای خداوند جهانیان	ای صاحب بزرگی و بخشش
یا رقیب	یا مقسط	یا جامع
ای پروردگار	ای داد دهنده	ای فراهم آرنده پراگندها
یا غنی	یا مغنی	یا معطی
ای بے نیاز مطلق	ای بے نیاز گرداننده	ای عطا دهنده
یا مانع	یا ضار	یا نافع
ای باز دارنده	ای ضرر رساننده	ای نفع رساننده
یا نور	یا هادی	یا بدیع
ای خود ظاهر و ظاهر کننده دیگران	ای راه نما	ای آفریننده بے سابق نمونه
یا باقی	یا وارث	یا رشید
ای پاینده و زوال ناپذیرنده	ای مالک ما بعد از فناء خلق	ای راه نماینده [illegible]
یا صبور	یا صادق	یا ستار
ای آنکه تعجیل نکند در عقوبت گنهگار	ای راست گو	ای پوشنده [illegible]

انما حرم عليكم الميتة والدم ولحم الخنزير وما اهل به لغير الله

[illegible]

فمن اضطر غير باغ ولا عاد فلا اثم عليه ان الله غفور رحيم ان الذين يكتمون

[illegible]

ما انزل الله من الكتاب ويشترون به ثمنا قليلا اولئك ما ياكلون

[illegible]

في بطونهم الا النار ولا يكلمهم الله يوم القيامة ولا يزكيهم ولهم

[illegible]

عذاب اليم اولئك الذين اشتروا الضلالة بالهدى والعذاب بالمغفرة

[illegible]

فما اصبرهم على النار ذلك بان الله نزل الكتاب بالحق

[illegible]

وان الذين اختلفوا في الكتاب لفي شقاق بعيد ليس البر

[illegible]

بلا ابتداء وبلا انتهاء ... یا

[illegible]

وحفظ من شر ما ... بکرمک وجودک

[illegible]

یا من لیس کمثله شیء وهو السمیع

ای آنکه نیست مثل او هیچ چیز و او ... شنوا

البصیر سبحانک الله ونعم الوکیل

بینا ... [illegible]

نعم المولى ونعم النصیر یا دائما

نیکو ... [illegible]

بلا فناء ویا قائما بلا زوال ویا مقیما

بی فنا وای پاینده بی زوال وای ساکن ...

بلا رحیل ... [illegible]

[illegible]

كل عيني لا احصي ثناء عليك انت

برده شود ... می را نمی توانم شمرد ستایش همه تو تو را

كما اثنيت على نفسك عز جارك وجل

چنانچه ثنا گفته بر ذات خود غالب است پناه تو و بزرگ است

ثناؤك وتقدست اسماؤك وعظم

ثنای تو و پاک است نامهای تو و بزرگ است

شانك ولا اله غيرك يفعل الله ما يشاء

شان تو و نیست معبود سزای پرستش بجز تو میکند خدای تعالی آنچه میخواهد

بقدرته ويحكم ما يريد بعزته الا الى

بتوانائی خود و حکم میکند آنچه میخواهد بغلبه و قوت خود آگاه باشید بسوی

الله تصير الامور كل شيء هالك الا

الله تعالی باز میگردد همه کار همه چیز فنا پذیر است مگر

وجهه له الحكم واليه ترجعون

ذات او مر او راست حکم و بسوی او باز خواهید گشت

فَسَيَكْفِيكَهُمُ اللّٰهُ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ

زود باشد که کفایت کند ترا خدای تعالی از شر اعدا و اوست شنوا دانا

حَسْبُنَا اللّٰهُ وَكَفٰى + سَمِعَ اللّٰهُ لِمَنْ دَعَا +

بسنده است ما را خدای تعالی و کافی شنونده است خدای تعالی هر کسی را که دعا کند

لَيْسَ وَرَاءَ اللّٰهِ الْمُنْتَهٰى + مَنِ اعْتَصَمَ بِاللّٰهِ

نیست جز خدا نهایت مقاصد هر که چنگ زد بخدای تعالی

نَجَا + سُبْحَانَ مَنْ لَمْ يَزَلْ رَبًّا رَحِيمًا +

خلاص یافت پاک است آنکه همیشه است پروردگار مهربان

وَلَا يَزَالُ كَرِيمًا + لَا إِلٰهَ إِلَّا اللّٰهُ الْحَلِيمُ

و همیشه خواهد ماند با جود و کرم نیست معبودی بحق جز خدای بردبار

الْكَرِيمُ + سُبْحَانَ اللّٰهِ وَتَبَارَكَ اللّٰهُ

کریم است پاک است خدای تعالی و با برکت است خدای تعالی

رَبُّ السَّمٰوَاتِ السَّبْعِ وَرَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ +

پروردگار آسمانهای هفت است و پروردگار عرش بزرگ

والحمد لله رب العالمين + لا اله الا الله

و همه ستایش مر خدای است که پروردگار همه عالم است — نیست معبودی برحق جز خدای تعالی

وحده لا شريك له الها واحدا احدا

که یکی است نیست شریک مر او را — خداوند یگانه و یکتا در ذات

صمدا فردا وترا حيا قيوما دائما ابدا

بی نیاز — یگانه — طاق — زنده دائمی قائم و ایستاده همه خلق جاوید بی پایان همیشه

لم يتخذ صاحبة ولا ولدا ولم يكن له

نگرفت — زن — و نه — فرزند — و نیست — مر او را

شريك في الملك ولم يكن له ولي

انبازی — در پادشاهی — و نیست — مر او را کارسازی

من الذل وكبره تكبيرا + الله اكبر

از جهت عجز — و تعظیم یاد کن او را تعظیم یاد کردنی — خدای تعالی بزرگ است

حسبنا الله لديننا حسبنا الله لدنيانا

بس است ما را خدای تعالی برای کار دین ما — بس است ما را خدای تعالی برای کارهای دنیای ما

حَسْبُنَا اللّٰهُ لِمَا أَهَمَّنَا، حَسْبُنَا اللّٰهُ لِمَنْ

بسنده است ما را خدای تعالی برای آنچه رنجانید ما را   بسنده است ما را خدای تعالی برای دفع کسیکه

بَغَىٰ عَلَيْنَا، حَسْبُنَا اللّٰهُ لِمَنْ حَسَدَنَا، حَسْبُنَا

ظلم کند بر ما   بسنده است ما را خدای تعالی برای دفع کسیکه رشک کند ما را   بسنده است

اللّٰهُ لِمَنْ كَادَنَا بِسُوْءٍ، حَسْبُنَا اللّٰهُ عِنْدَ

خدای تعالی برای دفع کسیکه مکر کند ما را به بدی   بسنده است ما را خدای تعالی وقت

الْمَوْتِ، حَسْبُنَا اللّٰهُ عِنْدَ الْقَبْرِ، حَسْبُنَا

مرگ   بسنده است ما را خدای تعالی وقت قبر   بسنده است ما را

اللّٰهُ عِنْدَ الْمَسَائِلِ، حَسْبُنَا اللّٰهُ عِنْدَ

خدای تعالی وقت [illegible]   بسنده است ما را خدای تعالی وقت

الصِّرَاطِ، حَسْبُنَا اللّٰهُ عِنْدَ الْحِسَابِ

[illegible]

حَسْبُنَا اللّٰهُ عِنْدَ الْمِيزَانِ [illegible]

[illegible]

عند الجنة والناس + حسبنا الله

نزد بهشت و دوزخ و خلق بسنده است ما را خدای تعالی

عند اللقاء + حسبي الله الذي

وقت دیدار بسنده است مرا خدای تعالی آنکه

لا اله الا هو عليه توكلت واليه

نیست معبودی برحق جز خدای تعالی بر او تکیه کردم و بسوی او

انيب + لا اله الا الله سبحان الله ما اعظم

باز میگردم نیست معبودی برحق جز خدای تعالی پاک است خدای تعالی چه بزرگ است

الله + لا اله الا الله سبحان الله ما اعلى

خدای تعالی نیست معبودی برحق جز خدای تعالی پاک است خدای تعالی چه برتر است

الله + لا اله الا الله سبحان الله ما اكرم الله

خدای تعالی نیست معبودی برحق جز خدای تعالی پاک است خدای تعالی چه بزرگوار است خدای تعالی

لا اله الا الله وحده لا شريك له

نیست معبودی برحق جز خدای تعالی که یگانه است نیست شریک او را

[illegible]

محمد رسول اللہ حقا + اللھم صل

محمد صلی اللہ علیہ و آلہ وسلم فرستادہ خداست بتحقیق — الٰہی رحمت کاملہ فرست

علی محمد کلما ذکرہ الذاکرون

بر محمد صلی اللہ علیہ و آلہ وسلم ہرگاہ کہ یاد کنند او را یاد کنندگان

وصل علی محمد کلما غفل عن

و رحمت کاملہ فرست بر محمد صلی اللہ علیہ و آلہ وسلم ہرگاہ غفلت ورزند از

ذکرہ الغافلون + رضینا باللہ تعالیٰ

یاد کردن او غافلان — راضی شدیم بخدائے تعالیٰ

ربا + وبالاسلام دینا وبمحمد صلی اللہ علیہ و آلہ

پروردگار بودنش و باسلام بر دین بودنش و بمحمد صلی اللہ علیہ و آلہ

وسلم نبیا ورسولا وبالقرآن اماما

وسلم نبی بودنش و رسول بودنش و بمصحف آں امام بودنش

وبالکعبۃ قبلۃ + وبالصلوۃ فریضۃ +

و بکعبہ بر قبلہ بودنش و بہ نماز بفرض بودنش

وَبِالْمُؤْمِنِيْنَ إِخْوَانِكَ وَبِالصِّدِّيْقِ

و به مؤمنان برادران تو و بابوبکر صدیق رضا

وَالْفَارُوْقِ وَذِي النُّوْرَيْنِ وَالْمُرْتَضٰى

و بعمر فاروق رض و بعثمان ذی النورین رض و بعلی المرتضی علیه السلام

أَئِمَّةٌ رِضْوَانُ اللّٰهِ تَعَالٰى عَلَيْهِمْ أَجْمَعِيْنَ

با مام بودن ایشان رضای خدا تعالی باد بر ایشان همه

مَرْحَبًا بِالصَّبَاحِ الْجَدِيْدِ وَبِالْيَوْمِ الْجَدِيْدِ

فراخی معیشت باد به بگاه نو و بروز نیک

وَبِالْمَلَكَيْنِ الْكَاتِبَيْنِ الشَّاهِدَيْنِ

و به دو فرشته نویسندگان گواه

الْعَادِلَيْنِ حَيَّاكُمَا اللّٰهُ تَعَالٰى

راست اند زنده دارد شمارا خدای تعالی

فِيْ غُرَّةِ يَوْمِنَا هٰذَا الْكِتَابَ فِيْ أَوَّلِ

یاسلام گوید در اول امروز ما بنویسند در ابتدا اسے

صحیفتنا بسم الله الرحمن الرحیم + واشهد لنا

نامهٔ اعمال ما بسم الله الرحمن الرحیم و گواه باشید

بانا نشهد ان لا اله الا الله وحده لا

بدین که ما گواهی میدهیم که نیست معبودی بر حق مگر خدای تعالیٰ که تنهاست نیست

شریك له + ونشهد ان محمدا عبده

انباز مر اورا و گواهی میدهیم که محمد صلی الله علیه وسلم بندهٔ اوست

ورسوله ارسله بالهدی ودین الحق

و فرستادهٔ او فرستاده است اورا براه راست و دین حق

لیظهره علی الدین کله ولو کره

تا غالب گرداند اورا بر همه دینها اگرچه ناخوش دارند

المشرکون + علی هذه الشهادة نحیی

این را مشرکان برین گواهی زنده مانیم

وعلیها نموت + وعلیها نبعث ان شاء الله تعالیٰ

و بران بمیریم و بران برانگیخته شویم اگر خواهد خدای تعالیٰ

أَعُوذُ بِكَلِمَاتِ اللهِ التَّامَّاتِ كُلِّهَا مِنْ

پناه میگیرم به کلمات خدا اسے تعالیٰ که کامل اند همه از

شَرِّ مَا خَلَقَ ۔ بِسْمِ اللهِ خَيْرِ الْأَسْمَاءِ ۔

بدی آنچه آفرید به نام خدا که بهترین نامهاست

بِسْمِ اللهِ رَبِّ الْأَرْضِ وَرَبِّ السَّمَاءِ

بنام خدا که پروردگار زمین است و پروردگار آسمان

بِسْمِ اللهِ الَّذِي لَا يَضُرُّ مَعَ اسْمِهِ شَيْءٌ

بنام خداوندی که ضرر نمیکند با نام او چیزی

فِي الْأَرْضِ وَلَا فِي السَّمَاءِ وَهُوَ السَّمِيعُ

در زمین و نه در آسمان و اوست شنوا

الْعَلِيمُ ۔ اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي أَحْيَانَا بَعْدَ

دانا ستایش خدا است که زنده کرد ما را بعد از آنکه

مَا أَمَاتَنَا وَإِلَيْهِ الْبَعْثُ وَالنُّشُورُ ۔

میرانید ما را و بسوی اوست برانگیخته شدن و پراگنده شدن

أَصْبَحْنَا وَأَصْبَحَ الْمُلْكُ لِلّٰهِ + وَالْعِزَّةُ وَ

صبح کردیم ما و صبح کرد پادشاهی از آن خدای تعالی و غلبه و

الْعَظَمَةُ وَالْكِبْرِيَاءُ + وَالْجَبَرُوتُ

بزرگواری و بزرگی ذات و بزرگی صفات

وَالسُّلْطَانُ وَالْبُرْهَانُ لِلّٰهِ + وَالْآلَاءُ

و پادشاهی و حجت هم خدای راست و نعمتهای ظاهره

وَالنَّعْمَاءُ لِلّٰهِ + وَاللَّيْلُ وَالنَّهَارُ لِلّٰهِ + وَمَا

و نعمتهای باطنه از آن خداست و شب و روز از آن خداست و آنچه

سَكَنَ فِيهِمَا لِلّٰهِ الْوَاحِدِ الْقَهَّارِ + أَصْبَحْنَا

داخل یا ساکن است در شب و روز از آن خدای است که یگانه است و غالب صبح کردیم ما

عَلٰى فِطْرَةِ الْإِسْلَامِ وَعَلٰى كَلِمَةِ

بر آفرینش اسلام و بر کلمه

الْإِخْلَاصِ وَعَلٰى دِينِ نَبِيِّنَا مُحَمَّدٍ

اخلاص و بر دین پیغمبر خود که محمد است

صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَعَلٰى مِلَّةِ

رحمت کامله فرستد خدا بروی و سلام و بر روش

أَبِيْنَا إِبْرَاهِيْمَ حَنِيْفًا مُّسْلِمًا وَّمَا كَانَ

پدر خود که ابراهیم است که یک جهت بود مسلمان و نبود

مِنَ الْمُشْرِكِيْنَ صَلَوَاتُ اللهِ وَمَلٰئِكَتِهٖ وَأَنْبِيَائِهٖ

از مشرکان درودهای خدا و فرشتگان او و پیغمبران او

وَرُسُلِهٖ وَحَمَلَةِ عَرْشِهٖ وَجَمِيْعِ خَلْقِهٖ

و فرستادگان او و برداشتگان عرش او و تمامی مخلوقات او

عَلٰى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَّاٰلِهٖ وَأَصْحَابِهٖ

بر مهتر ما محمد صلی الله علیه وسلم و بر آل او و بر یاران او

عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمُ السَّلَامُ وَرَحْمَةُ اللهِ

بروی و بر ایشان سلام و رحمت خدا

وَبَرَكَاتُهٗ اَلصَّلٰوةُ وَالسَّلَامُ عَلَيْكَ

و برکتهای او رحمت خدا و سلام بر تو باد

يَا رَسُوْلَ اللّٰهِ اَلصَّلٰوةُ وَالسَّلَامُ عَلَيْكَ

اے رسول خدا رحمت خدا وسلام برتو باد

يَا حَبِيْبَ اللّٰهِ اَلصَّلٰوةُ وَالسَّلَامُ عَلَيْكَ

اے دوست خدا رحمت خدا وسلام برتو باد

يَا خَلِيْلَ اللّٰهِ اَلصَّلٰوةُ وَالسَّلَامُ عَلَيْكَ

اے دوست خدا رحمت خدا وسلام برتو باد

يَا نَبِيَّ اللّٰهِ اَلصَّلٰوةُ وَالسَّلَامُ عَلَيْكَ

اے پیغمبر خدا رحمت خدا وسلام برتو باد

يَا صَفِيَّ اللّٰهِ اَلصَّلٰوةُ وَالسَّلَامُ عَلَيْكَ

اے برگزیدہ خدا رحمت خدا وسلام برتو باد

يَا خَيْرَ خَلْقِ اللّٰهِ اَلصَّلٰوةُ وَالسَّلَامُ عَلَيْكَ

اے بہترین خلق خدا رحمت خدا وسلام برتو باد

يَا مَنِ اخْتَارَهُ اللّٰهُ اَلصَّلٰوةُ وَالسَّلَامُ عَلَيْكَ

اے آنکہ برگزیدہ اورا خدا رحمت خدا وسلام برتو باد

يَا مَنْ أَرْسَلَهُ اللّٰهُ، اَلصَّلٰوةُ وَالسَّلَامُ

ای آنکه فرستاد او را خدای رحمت خدا و سلام

عَلَيْكَ يَا مَنْ زَيَّنَهُ اللّٰهُ، اَلصَّلٰوةُ وَالسَّلَامُ

بر تو باد ای آنکه آراسته است وی را خدا رحمت خدا و سلام

عَلَيْكَ يَا مَنْ شَرَّفَهُ اللّٰهُ، اَلصَّلٰوةُ وَالسَّلَامُ

بر تو باد ای آنکه شریف گردانیده است او را خدای رحمت خدا و سلام

عَلَيْكَ يَا مَنْ كَرَّمَهُ اللّٰهُ، اَلصَّلٰوةُ وَالسَّلَامُ

بر تو باد ای آنکه بزرگ گردانیده است او را خدا رحمت خدا و سلام

عَلَيْكَ يَا مَنْ عَظَّمَهُ اللّٰهُ، اَلصَّلٰوةُ وَالسَّلَامُ

بر تو باد ای آنکه با عظمت گردانیده است وی را خدای رحمت خدا است و سلام

عَلَيْكَ يَا سَيِّدَ الْمُرْسَلِيْنَ، اَلصَّلٰوةُ وَالسَّلَامُ

بر تو باد ای مهتر رسولان رحمت خدا است و سلام

عَلَيْكَ يَا إِمَامَ الْمُتَّقِيْنَ، اَلصَّلٰوةُ وَالسَّلَامُ

بر تو باد ای پیشوای پرهیزگاران رحمت خدا و سلام

الصلوٰة والسلام عليك يا خاتم النبيين

بر تو باد اے مہر پیغمبران رحمت خدا و سلام

الصلوٰة والسلام عليك يا شفيع المذنبين

بر تو باد اے شفاعت کنندہ گناہگاران رحمت خدا و سلام

صلوات الله عليك يا رسول رب العالمين

بر تو باد اے فرستادہ پروردگار جہانیان درود ہائے خدا

وعلى ملائكته وأنبيائه ورسله وحملة عرشه

و فرشتگان او و پیغمبران او و فرستادگان او و بردارندگان عرش او

وخصوصاً على سيدنا محمد وعلى آله

و خصوصاً بر سید ما محمد صلی الله علیه وسلم و بر آل او

وأصحابه عليه وعليهم السلام

و یاران او بر وے و بر ایشان سلام

ورحمة الله وبركاته [illegible]

و رحمت خدا و برکتهای او [illegible]

فِي الْأَوَّلِينَ + وَصَلِّ عَلَىٰ سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ فِي الْآخِرِينَ

در پیشینیان و رحمت کن بر مهتر ما محمد در پسینیان

وَصَلِّ عَلَىٰ سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ فِي الْمَلَإِ الْأَعْلَىٰ إِلَىٰ

و رحمت کن بر مهتر ما محمد در گروه برترین تا

يَوْمِ الدِّينِ + وَصَلِّ عَلَىٰ سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ فِي كُلِّ

روز قیامت و رحمت کن بر مهتر ما محمد در همه

وَقْتٍ وَحِينٍ + وَصَلِّ عَلَىٰ جَمِيعِ الْأَنْبِيَاءِ

وقت و زمان و رحمت کن بر تمامی پیغمبران

وَالْمُرْسَلِينَ ؛ وَعَلَىٰ مَلَائِكَتِكَ الْمُقَرَّبِينَ وَعَلَىٰ

و رسولان و بر فرشتگان خود که مقرب بارگاه تواند و بر

عِبَادِكَ الصَّالِحِينَ + وَعَلَىٰ أَهْلِ طَاعَتِكَ

بندگان نیکوکار خود و بر فرمان برداران خود

أَجْمَعِينَ + وَارْحَمْنَا مَعَهُمْ بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ

همه و رحم کن بر ما با ایشان به رحمت خود ای مهربان تر از مهربانان

دعای رقاب

که هم از تالیف شریف موحد ربانی امیر کبیر حضرت سید علی همدانیست رحمة الله علیه و بعد ختم اوراد فتحیه بجای دعا دست برداشته می خوانند

بسم الله الرحمن الرحیم

بنام خدای بخشاینده مهربان

اللهم یا مالک الرقاب + ویا مفتح الابواب +

الهی ای مالک گردنها وای کشاینده درها

ویا مسبب الاسباب + هیئ لنا سببا +

وای سازنده سببها مهیا کن برای ما سببی

لانستطیع له طلبا + اللهم اجعلنا

که نتوانیم برای آن جستن الهی گردان مارا

مشغولين بامرك ابتغاء [illegible] +

مشغول بکار تو امید یابنده برای تو

الحمد [illegible] + الآمنين [illegible] مستأنسين

[illegible]

عن [illegible] صابرين

از [illegible] شکیبا

على بلائك وقائمين بآلائك شاكرين

بر بلای تو [illegible] نعمتهای تو شکر کننده

لنعمائك متلذذين بذكرك و قائمين

نعمتهای ترا لذت یابنده بذکر تو [illegible]

بكتابك متناجين بك في آناء الليل و

بکتاب تو سازگو یابنده با تو در میان شب و

أطراف النهار مبغضين للدنيا و محبين

کرانهای روز دشمن دارنده دنیا را و دوست دارنده

بِالْآخِرَةِ مُشْتَاقِينَ اِلَى لِقَائِكَ مُتَوَجِّهِينَ

آخرت را مشتاق بسوی دیدار تو متوجه

اِلَى جَنَابِكَ مُسْتَعِدِّينَ لِلْمَوْتِ اٰمِنَّا

بسوی حضرت تو مهیا شونده برای مرگ ایمن ما

وَآتِنَا مَا وَعَدْتَنَا عَلٰى رُسُلِكَ وَلَا تُخْزِنَا يَوْمَ

و بده ما را آنچه وعده کرده ما را بزبان پیغمبران خود و رسوا مکن ما را

الْقِيَامَةِ اِنَّكَ لَا تُخْلِفُ الْمِيعَادَ + اَللّٰهُمَّ

قیامت بدرستیکه تو خلاف نکنی وعده را الهی کردان

التَّوْفِيقَ رَفِيقَنَا وَالصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ طَرِيقَنَا

توفیق را رفیق ما و راه راست راه ما

اَللّٰهُمَّ اَوْصِلْنَا اِلَى مَقَاصِدِنَا + وَقْتَ خُرُوجِنَا

الهی برسان ما را بمقصد های ما وقت جدا کردن روح ما

اِنَّكَ اَنْتَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ + اَللّٰهُمَّ

بدرستیکه تو قبول کننده توبه و بسیار رحم کننده الهی

أَصْبَحْنَا + وَبِكَ أَمْسَيْنَا + وَبِكَ نَحْيَى وَبِكَ

صبح کردیم بنام تو شام کردیم بنام تو زنده ایم و بنام تو

نَمُوتُ + وَإِلَيْكَ الْمَصِيرُ + اَللّٰهُمَّ ارْزُقْنَا

خواهیم مرد و بسوی تست بازگشت الهی روزی کن مارا

لَذَّةَ النَّظَرِ إِلَى وَجْهِكَ وَالشَّوْقَ إِلَى لِقَائِكَ

لذت دیدار بسوی روی تو و شوق بسوی دیدار تو

اَللّٰهُمَّ أَرِنَا الْحَقَّ حَقًّا وَارْزُقْنَا اتِّبَاعَهُ + وَأَرِنَا

الهی بنما مارا راست را راست و روزی کن مارا پیروی آن و بنما مارا

الْبَاطِلَ بَاطِلًا وَارْزُقْنَا اجْتِنَابَهُ + اَللّٰهُمَّ

باطل را باطل و روزی کن مارا پرهیز کردن ازان الهی

أَرِنَا حَقَائِقَ الْأَشْيَاءِ كَمَا هِيَ + تَوَفَّنَا

بنما مارا حقائق چیزها چنانکه هست بمیران مارا

مُسْلِمِينَ وَأَلْحِقْنَا بِالصَّالِحِينَ + وَادْفَعْ

مسلمان و لاحق کن مارا بنیکوکاران و دفع کن

[illegible]

عَنَّا شَرَّ الظَّالِمِينَ + وَأَشْرِكْنَا فِي دُعَاءِ الْمُؤْمِنِينَ

از ما بدی ظالمان و شریک کن ما را در دعای مومنان

وَنَبِّهْنَا عَنْ نَوْمَةِ الْغَافِلِينَ + وَارْزُقْنَا شَفَاعَةَ

و بیدار کن ما را از خواب غافلان و روزی کن ما را شفاعت

سَيِّدِ الْمُرْسَلِينَ + وَأَدْخِلْنَا الْجَنَّةَ بِسَلَامٍ

سرور پیغامبران و داخل کن ما را در بهشت بسلامتی

آمِنِينَ + وَاحْشُرْنَا مَعَ الْمُتَّقِينَ + وَخَلِّصْنَا

امن پابنده و حشر کن با پرهیزگاران و خلاص کن ما را

مِنَ النَّارِ يَا مُجِيرُ + اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِأُمَّةِ مُحَمَّدٍ

از آتش ای پناه دهنده الهی بخش امت محمد را

صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ + اللَّهُمَّ ارْحَمْ أُمَّةَ

صلی الله علیه وسلم الهی رحم کن بر امت

مُحَمَّدٍ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ + اللَّهُمَّ

محمد صلی الله علیه وسلم الٰی

اَللّٰهُمَّ اَمِّنْ اُمَّةَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

در امن کن امت محمد را صلی الله علیه وسلم

اَللّٰهُمَّ ارْحَمْ اُمَّةَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ

الٰهی بپوشان گناهان امت محمد را صلی الله علیه

وَسَلَّمَ + اَللّٰهُمَّ اَصْلِحْ اُمَّةَ مُحَمَّدٍ صَلَّى

وسلم الٰهی درست ساز کارهای امت محمد صلی

اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ + اَللّٰهُمَّ فَرِّجْ عَنْ اُمَّةِ

الله علیه وسلم الٰهی کشایش کن از امت

مُحَمَّدٍ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ + اَللّٰهُمَّ

محمد صلی الله علیه وسلم الٰهی

اَكْرِمْ اُمَّةَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ [illegible]

بزرگ کن ایمان امت [illegible] الٰهی

[illegible]

[illegible]

اَللّٰهُمَّ [illegible]

الهی درگذر از ما [illegible]

وَسَلِّمْ اَللّٰهُمَّ يَا مُحِبَّ التَّوَّابِينَ تُبْ

وسلم الهی ای دوست دارنده توبه کنندگان قبول کن

عَلَيْنَا وَيَا اَمَانَ الْخَائِفِينَ آمِنَّا وَيَا دَلِيلَ

توبه ما را و ای امان دهنده ترسندگان ایمن گردان ما را ای راهنما

الْمُتَحَيِّرِينَ دُلَّنَا وَيَا غِيَاثَ الْمُسْتَغِيثِينَ

حیرت شدگان راه نما ما را و ای فریادرس فریاد کنندگان

اَغِثْنَا وَيَا صَرِيخَ الْمُسْتَصْرِخِينَ اَصْرِخْنَا

[illegible]

[illegible]

[illegible]

وَيَا رَاحِمَ الْمَسَاكِينَ [illegible]

[illegible]

المذنبين اغفر لنا ذنوبنا + وكفر عنا

گناهگاران بخشش براے ما گناهان مارا دور کن از ما

سيئاتنا وتوفنا مع الابرار + اللهم اغفر

بديهاے مارا وبميران مارا با نيکوکاران الهی بخش

ذنوبنا + اللهم استر عيوبنا + اللهم اشرح

گناهان مارا الهی بپوشان عيبهاے مارا الهی بکشا

صدورنا + اللهم احفظ قلوبنا + اللهم

سينهاے مارا الهی نگاهدار دلهاے مارا الهی

نور قلوبنا + اللهم يسر امورنا + اللهم

روشن ساز دلهاے مارا الهی آسان کن کارهاے ما الهی

حصل مرادنا + اللهم تمم تقصيرنا +

حاصل کن مرادما الهی تکامل ساز کوتاهی مارا

اللهم نجنا مما نخاف + يا خفي الالطاف +

الهی نجات ده مارا از انچه می ترسیم اے صاحب مهربانیهاے پنهان

اَللّٰهُمَّ اغْفِرْ لَنَا + وَلِوَالِدِيْنَا + وَلِمَشَايِخِنَا +

الٰهی بخشش ما را و مادران و پدران ما را و بزرگان ما را

وَلِاُسْتَاذِنَا + وَلِاَصْحَابِنَا + وَلِاَحْبَابِنَا +

و استاد ما را و یاران ما را و دوستان ما را

وَلِعَشَائِرِنَا + وَلِقَبَائِلِنَا + وَلِمَنْ لَّهٗ حَقٌّ عَلَيْنَا +

و خویشاوندان ما را و قرابتیان ما را و کسیکه او را حقے باشد بر ما

وَلِجَمِيْعِ اُمَّةِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ الصَّلٰوةُ وَالسَّلَامُ

و جمیع امت محمد را که بر وے رحمت خدا باد و سلام

وَقِنَا رَبَّنَا شَرَّ مَا قَضَيْتَ + وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ +

و نگاه دار ما را اے پروردگار ما از بدی آنچه حکم کردی و نگاه دار ما را از عذاب آتش

وَعَذَابَ الْقَبْرِ + وَعَذَابَ يَوْمِ الْقِيٰمَةِ + وَاحْشُرْنَا

و عذاب گور و عذاب روز قیامت و حشر ما کن

مَعَ الْمُتَّقِيْنَ وَالْاَبْرَارِ + اَللّٰهُمَّ بِحُرْمَةِ

با پرهیزگاران و نیکوکاران الٰهی بحرمت

هٰذِهِ الْأَوْرَادُ الْفَتْحِيَّةُ افْتَحْ لَنَا أَبْوَابَ

اپنے اوراد فتحیہ کھول دے ہمارے لیے دروازے

الْعِنَايَاتِ وَالْكَرَامَاتِ وَوَفِّقْنَا لِلطَّاعَاتِ

عنایتوں سے و بزرگیوں توفیق دے ہم کو اپنی طاعتوں

وَالْعِبَادَاتِ وَاحْفَظْنَا مِنَ الْآفَاتِ

و عبادتوں و نگہدار ہمارا از آفتوں

وَالْبَلِيَّاتِ وَبَارِكْ لَنَا فِي الرِّزْقِ

و بلاؤں و برکت دے ہمارا در رزق و

الْحَسَنَاتِ إِلٰهِي احْفَظْنَا يَا وَاقِي

نیکیاں الٰہی نگہدار ہمارا اے بچانے والے

مِنْ جَمِيعِ الْبَلَايَا وَالْأَمْرَاضِ وَصَلَّى اللهُ تَعَالٰى

از تمام بلاؤں و بیماریوں و رحمت کرے اللہ تعالیٰ

عَلٰى خَيْرِ خَلْقِهِ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَأَصْحَابِهِ أَجْمَعِينَ

پر بہتر مخلوق خود محمد صلی اللہ علیہ وسلم کے آل اور اصحاب سب اوپر

قطعات تاریخ طبع سابقه

قطعهٔ تاریخ طبع از شاه معین الدین احمد صاحب فتحپوری

للّه الحمد که در قالب طبع ‌‌ — جان از این نسخهٔ محبوب آمد

بهر تاریخ شده هم چو دل از فکر ‌‌ — دل خبر داد که مرغوب آمد

۱۲ھ

ایضاً از چودهری شیخ واعظ الدین حسین صاحب اسلامپوری

یافت این نسخه مطبوع چون طبع شد ‌‌ — جست واعظ سال طبعش چون گل برشگفت

سال فضلی قلم یافته شیرین برایش ‌‌ — یافت دل از فیض او خوش طبع گفت

۱۲ ۹۳ھ ‌‌ — ۱۲ ۹۳ھ

ایضاً از شیخ افضل حسین صاحب اسلامپوری

شد این نسخه مطبوع اکنون کجاست ‌‌ — ولی کش بصد جان خریدار نیست

ز دل جست افضل چو تاریخ طبع ‌‌ — بگفتا عجب تحفهٔ نادریست

۱۲ ۹۳ھ

تاریخ ارتحال فلک پایہ شیخ محمد حسین صاحب چشتی ... [illegible]	
وہ لاہور سے ... [illegible]	... سال گئی ۱۲ ۱۲ھ
الٰہٰ اللہ شیخ عبد الکریم صاحب چشتی	
... [illegible]	دل ... [illegible] ... ہوا
... [illegible]	سال ... [illegible] ... ہوا ۱۲ھ

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]